

قرار رد و ابطال دادخواست صادره از دفاتر و دادگاههای دادگستری

اصولاً دادخواستهائی که بدادگاههای عمومی دادگستری تقدیم میشود بایستی شرایط قانونی مربوطه را دارا باشند. حتی متن برخی از مواد از قبیل مواد ۱۸۱ و ۱۷۵ و ۸۴ و ۵۵۲ قانون آئین دادرسی مدنی بصورت قرار قبولی دادخواست قبل از جریان یافتن آن تصریح کرده اند و بهمین مناسبت وقتی دادخواستهای تقدیمی بدادگاههای عمومی دادگستری دارای شرایط مقرر قانونی نبود جریان پیدا نکرده و اگر هم جریان یافته باشند برحسب مورد قانوناً مردود یا ابطال میگرددند.

در این مقاله بیشتر ببحث در اطراف وجوه اشتراك و اقتران موارد رد یا ابطال دادخواست خواهیم پرداخت و برای اینکه مطلب کاملاً روشن شود بنظر میرسد قبلاً فهرست وار بموارد رد یا ابطال دادخواست که در قوانین مربوط بآئین دادرسی در دادگاههای عمومی دادگستری پیش بینی شده ذیلاً اشاره نمائیم:

**موارد صدور قرار رد دادخواست از طرف مدیر دفتر دادگاه عمومی بدوی
و جانشین وی**

- ۱ - معلوم نبودن مشخصات خواهان در دادخواست بدوی (مواد ۸۳ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۲۸۵ قانون آئین دادرسی مدنی)
- ۲ - معلوم نبودن محل اقامت خواهان در دادخواست بدوی (مواد ۸۳ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۲۸۵ ق. ا. د. م.)

۳ - در صورتیکه بدادخواست مطابق قانون تمبرالصاق نشده باشد و یا در نقاطیکه تمبر موجود نیست هزینه نامبرده تأدیه نشده باشد و یا باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان در موعد قانونی در اینمورد اقدام نشود . (بند ۱ ماده ۸۴ - بند ۲ ماده ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۲۸۵ ق . ا . د . م)

۴ - در صورتیکه بیبوستهای دادخواست مطابق قانون تمبرالصاق نشده باشد و یا در نقاطیکه تمبر موجود نیست هزینه نامبرده تأدیه نشده باشد و باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان در موعد قانونی در اینمورد اقدام نشود . (بند ۱ ماده ۸۴ - بند ۲ ماده ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۵ ق . ا . د . م)

۵ - عدم رعایت قید (نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و شغل مدعی علیه) در دادخواست و عدم رفع آن در موعد قانونی و باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر به بند ۲ ماده ۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۲۸۵ ق . ا . د . م)

بنظر نگارنده اگر خواننده متعدد باشد بایستی دادخواست بطرفیت کلیه خوانندگان و بارعایت نکات قانونی فوق الذکر بدفتر دادگاه تقدیم گردد و الی در اجرای مقررات فوق الذکر دادخواست تقدیمی خواهان درخور رد خواهد بود و قرار رد دادخواست هم بایستی از طرف مدیر دفتر دادگاه و یا درغیبت او از طرف جانشین او صادر گردد و نه دادگاه .
در اینمورد رأی شماره * * * ۵۶۶ - ۲۷/۴/۱۴ شعبه اول دیوانعالی کشور چنین انشاء شده است :

«دعوی افراز اصولاً باید بطرفیت تمام صاحبان سهام اقامه شود» (صفحه ۷۰ مجموعه رویه قضائی قسمت حقوقی جمع آوری آقای احمد متین - آراء از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵)

۶ - عدم رعایت (تعمین بهای خواسته در دادخواست مگر آنکه تعمین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد) در دادخواست و عدم رفع آن در موعد قانونی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر به بند ۳ ماده ۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ ق . ا . د . م)

۷ - عدم رعایت قید (تمهدهات و جهاتیکه بموجب آن مدعی خود را مستحق مطالبه میدانند بطوریکه مقصود روشن و واضح باشد) در دادخواست و عدم رفع آن در موعد قانونی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر به بند ۴ ماده ۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۲۸۵ ق . ا . د . م)

۸ - عدم رعایت قید (آنچه را که مدعی ازدادگاه درخواست دارد) در درخواست و عدم رفع آن در موعد قانونی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر به بند ۵ ماده ۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۳ - ۲۵۸ - ۲۵۹ ق . ا . د . م)

۹ - عدم رعایت (ذکر تمام ادله و وسائلیکه مدعی برای اثبات ادعای خود دارد از

اسناد و نوشتجات و اطلاع‌مطلمین و غیره) در دادخواست و عدم رفع آن در موعد قانونی با وجود
اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر بماده ۲۷۲-۲۷۳-۲۷۹-۲۸۳-۲۸۵
ق. ۱۰. د. م.)

۱۰- پیوست نکردن رونوشت یا عکس یا گراورخوانای اسناد خود که مطابقت آن با
اصل گواهی شده باشد از طرف خواهان بدادخواست و عدم رفع این نقیصه در موعد قانونی با
وجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر بماده ۷۵ - ۲۷۳-۲۷۹-۲۸۳-
۲۸۵ ق. ۱۰. د. م.)

۱۱- پیوست نکردن ترجمه گواهی شده اسنادی که بزبان فارسی نیستند از طرف
خواهان بدادخواست علاوه بر رونوشت گواهی شده سند و عدم رفع این نقیصه در موعد قانونی
با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص بخواهان (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر بماده ۷۵-۲۷۳-۱۷۹-۲۷۳-
۲۸۵ ق. ۱۰. د. م.)

۱۲- پیوست نبودن و کالتنامه و کیل در صورتیکه دادخواست توسط وکیل داده شده و
یا پیوست نبودن رونوشت گواهی شده قیم‌نامه و بطور کلی پیوست نبودن رونوشت سندیکه مثبت
سمت دادخواست دهنده است بدادخواست و عدم رفع این نقیصه در موعد قانونی با وجود اخطار
تفصیلی رفع نقص بدادخواست دهنده (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر بماده ۷۶- ماده ۱۸۲ ناظر به بند ۲ ماده
۱۸۱-۲۷۳-۲۷۹-۲۸۳-۲۸۵ ق. ۱۰. د. م.)

در این مورد رأی شماره ۴۳۷۳ - ۱۹/۱۲/۲۹ شعبه اول دیوان عالی کشور چنین
انشاء شده است:

(اگر دادگاه بدوی باتذکر خواهان باینکه بعضی از خوانندگان صفریند و با مطالبه
قیمت‌نامه از وکیل آنها حکم را بدون رفع منقصت مزبور بنام صغار صادر نماید- در این صورت
وکیل پژوهش‌خواهان (خواهان بدوی) در تنظیم دادخواست پژوهشی تکلیفی جز این ندارد که
بنام همان اشخاص دادخواست خود را تقدیم نماید و دادگاه مرجع رسیدگی با این حال
مکلف است حکم بدوی را گسیخته و دعوی را بطرفیت صغار جریان دهد و رأی صادر کند
نه اینکه از لحاظ عدم اهلیت خوانندگان رأی برد دادخواست پژوهشی دهد.) (صفحه
۲۰۳ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی جمع‌آوری آقای احمد متین - آراء ساله‌ای
۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵)

۱۳- دونه نسخه نبودن دادخواست و پیوستهای آن - و در صورت تعدد مدعی علیه بعده
آنها به علاوه يك نسخه و عدم رفع این نقیصه در موعد قانونی با وجود اخطار تفصیلی رفع
نقص به دادخواست دهنده (بند ۲ ماده ۸۴ ناظر بماده ۷۷- ماده ۱۸۲ ناظر بماده ۱۸۰-۲۷۳-
۲۷۹-۲۸۳-۲۸۵ ق. ۱۰. د. م.)

نکته قابل تذکر در اینجا آنستکه برای برخی از مواد قانونی مربوط به شرایط دادخواست از قبیل مواد ۷۱-۷۳-۷۸-۷۹ ضمانت اجرائی نظیر ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در ماده ۸۴ و ۸۵ قانون آئین دادرسی مدنی صریحاً پیش‌بینی نشده است. اینک باید دید آیا در صورت موجود نبودن شرایط پیش‌بینی شده در مواد مذکور در دادخواستهای تقدیمی بدادگاهها تکلیف دادخواست‌های مزبور چه خواهد شد.

بطوریکه در مقدمه اشعار گردید اصولاً دادخواست باید جامع شرایط پیش‌بینی شده در مواد قانونی مربوطه باشد والا در خور پذیرش نخواهند بود. اما اینکه در بعضی از مواد مانند مواد ۸۴ و ۱۷۵ و ۱۸۱ و ۵۵۲ قانون آئین دادرسی مدنی بموارد قابل قبول بودن دادخواست تصریح گردیده است. و از طرفی چون قواعد پیش‌بینی شده در مواد فوق‌الذکر از قواعد آمره میباشد لذا رعایت شرایط مقرر در آنها ضروری بوده و اجرای مقررات مواد مذکور از طرف تقدیم‌کنندگان دادخواست واجب است و مقتضای عدم رعایت مقررات مزبور در دادخواستهای تقدیمی عدم پذیرش آنها و قابل رد بودن آنها خواهد بود بخصوص قطع نظر از بند ۲ ماده ۵۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی در مورد نقض حکم در دیوان عالی کشور بجهت اینکه (اگر دعوی برخلاف اصول محاکمات رسیدگی شده و عدم رعایت اصول مذکور بدرجهای اهمیت دارم که حکم یا قرار را از اعتبار قانونی می‌اندازد) و بفرض اینکه فرض شود اصول مقرر در مواد مذکور در رای آن درجه اهمیت نبوده که حکم یا قرار را از اعتبار قانونی بیاندازد ولی باتصریح قانون مذکور باینکه قواعد آمره باید رعایت شود و عدم رعایت آن موجب نقض حکم در دیوان عالی کشور است رعایت قواعد مذکور از طرف دادگاههای تالی الزامی است. در این خصوص ماده ۵۶۶ قانون آئین دادرسی مدنی چنین مقرر میدارد:

(هرگاه در یکی از دادگاهها برخلاف اصول دادرسی - بدعوائی رسیدگی شده باشد و عدم رعایت آن اصول بدرجهای اهمیت داشته که در حکم یا قراردادگاه مؤثر است در دومورد حکم یا قرار دادگاه نقض میشود:

۱ - در صورتیکه اصلی که رعایت نشده از قواعد آمره یعنی جزو وظائف خود دادگاه باشد.

۲ - در صورتیکه اصلی که رعایت نشده از وظیفه خود دادگاه نبوده - ولی با اعتراض اصحاب دعوی بران رسیدگی نشده است.)

اکنون باید ببینیم قواعد آمره مورد نظر قانونگذار در مواد ۸۱ - ۷۳ - ۷۸ - ۸۹ آنچنان قواعدی است که عدم رعایت اصول پیش‌بینی شده در آنها بدرجهای اهمیت دارند که در حکم یا قرار دادگاه مؤثر بوده و عدم رعایت اصول مذکور، حکم یا قرار را از اعتبار می‌اندازد یا خیر؟ بنظر میرسد برای روشن نمودن امر باید از رویه قضائی استمداد نمود:

۱۴ - بموجب ماده ۷۱ قانون آئین دادرسی مدنی (دادخواست باید بزبان فارسی باشد). شعبه ۸ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۱۸۹۶ - ۲۶/۱۱/۲۴ چنین اظهار نظر کرده است :

(اولا موافق ماده ۷۱ قانون آئین دادرسی مدنی دادخواست باید بزبان فارسی باشد. و بدیهی است که مقصود از زبان فارسی زبان فارسی متداول و معمولی است و شامل زبانهای محلی که نسبت باهل محل دیگر قابل استفاده و تفاهم نیست نمیباشد و ماده مزبور مستلزم اینستکه صورته مجلس دادرسی و حکم دادگاه نیز باید بزبان فارسی نوشته شود کما اینکه خودداری قانون از تعیین تکلیف دادخواستی که بزبان غیر فارسی نوشته شده (در مبحث رد دادخواست و توقیف آن) نیز کاشف قطعی است از اینکه دادخواست غیر فارسی دادخواست قانونی نبوده و نباید مشمول مقررات راجع بتوقیف یا رد دادخواست واقع گردد. ثانیاً - بر فرض اینکه بین لزوم فارسی بودن دادخواست با فارسی بودن صورته مجلس و حکم یا قراردادگاه ملازمه قانونی منع شود و قوانین مملکتی نسبت باین موضوع ساکت بوده یا صریح نباشد. چون بموجب ماده ۴ قانون آئین دادرسی مدنی سکوت قوانین را برای قطع و فصل دعاوی و احقاق حق نمیتوان مانع قرار داد بلکه بر حسب ماده ۳ قانون مزبور در صورتیکه قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد باید موافق قوانین مفاد موضوعه و عرف و عادت مسلم رسیدگی نمود. و بر طبق سوابق بسیاره متدعات مسلم کشور این بوده که همیشه و لایزال محضرها و صورته مجلسها و احکام و فرامین دولتی حتی مکالمات رسمی بزبان فارسی متداول که برای همه ساکنین کشور قابل استفاده و فهم بوده نوشته میشده ولو اینکه متصدیان امور دولتی خود - دارای زبان محلی خاصی بوده و با آن زبان مکالمه مینموده اند. بعبارت آخری این معمول - یکی از عادات مسلم و آداب لازم الرعایه و سنن ملی حتی سنت افتخار آمیز کشور است. و از آدابی نیست که قابل ترك فرض و قابل اغماض تصور شود. بنا بر این نوشتن صورته مجلس بزبان یا لهجه محلی مخالفت عادت مسلم و سنت ملی است که عادت و سنت مذکور از اصول محاکمه مؤثر تشخیص میگردد و در هر حال تفنن دادگاه بدوی در نوشتن صورته مجلس و حکم بزبان یا لهجه محلی بر هر تقدیر و قدر متیقن نیز مخالف اصل موضوع واصل مسلم دادرسی یا یکی از آنهاست و چنین حکمی نقض خواهد شد.) (صفحه ۱۶۷ مجموعه رویه قضائی قسمت حقوقی جمع آوری آقای احمد متین).

شعبه ۸ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۱۱-۳۸/۱/۹ خود منتشره در صفحه ۲۱۳ مجموعه

فوق الاشعار چنین بیان عقیده کرده :

(. . دادخواستی که بزبان خارجی یا محلی باشد قابل رسیدگی نیست و رسیدگی بدعوی

فرجامی کسیکه چنین دادخواستی داده و کول است بتقدیم دادخواست بزبان معمولی).

این رأی شعبه ۸ دیوانعالی کشور درخور توجه است چه اگر دادخواست دهنده در موعد مقرر قانونی دادخواست فرجامی بزبان فارسی نداده باشد دراینصورت تکلیف فرجامخواه بادر نظر گرفتن منطوق و انشاء رأی چه خواهد بود ؟

زیرا باتصریح در رأی باینکه (... رسیدگی بدعوی کسیکه چنین دادخواستی داده موکول است بتمدیم دادخواست بزبان معمولی) در واقع برای دادخواست دهنده يك فرجه قانونی جدید از تاریخ ابلاغ رأی دیوانعالی کشور قائل شده که در قوانین موضوعه فعلی چنین اختیاری برای شعب دیوانعالی کشور که بتواند ضمن مردود اعلام کردن دادخواستی برای دادخواست دهنده مهلت جدیدی برای تقدیم دادخواست با شرایط قانونی قائل شود بنظر نرسیده است.

۱۵- دادخواست باید در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شود (ماده ۷۱ ق ۱ د. م.) در این مورد دادگاه عالی انتظامی قضات در رأی شماره ۳۷- ۱۳۰۶/۶/۲۹-۲۹ چنین اظهار نظر کرده است : (پذیرفته و بجزریان انداختن عرضحالیکه در اوراق غیر رسمی تنظیم شده تخلف است) (شماره ۳۸۰ صفحه ۱۸۱ موازین قضائی فراهم آورده آقای موسی شهیدی چاپ دوم سال ۱۳۳۰).

۱۶- بموجب ماده ۷۳ ق ۱ د. م در صورتیکه هر يك از اصحاب دعوی عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت و یا مدیریت شرکت و امثال آنرا داشته باشند در دادخواست باید تصریح شود. در این مورد قبلا در ردیف ۱۲ رأی شماره ۴۳۷۳- ۱۹/۱۲/۲۹-۲۹ شعبه اول دیوانعالی کشور درج شد و دادگاه عالی انتظامی قضات در رأی شماره ۱- ۱۳۰۶/۳/۷-۱۳۰۶ چنین اظهار نظر کرده است:

(پذیرفتن دعوی از وکیل باستناد و کالت نامه مادر صغیر- بدون احراز سمت قیمومت او- تخلف است) (شماره ۳۷۹ صفحه ۱۸۱ موازین قضائی فراهم آورده موسی شهیدی چاپ دوم سال ۱۳۳۰)

در ضمن ضمانت اجرای دیگری در این مورد در ماده ۲۰۲ ناظر به بند ۲ ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده است. و بدین ترتیب بفرض دادخواست هم جریان یافته باشد یا یستی در اولین جلسه رسیدگی در دادرسیهای اختصاری و بعد از تبادل لوایح در دادرسیهای عادی بر-ر وفق ماده ۲۰۱ همان قانون و مواد بعدی ناظر بماده ۱۹۸ همان قانون اتخاذ تصمیم شود.

۱۷- طبق ماده ۷۸ قانون آئین دادرسی مدنی دادخواست دهنده باید دادخواست را امضاء کند و در صورت عجز از امضاء - مهر یا انگشت خود را بگذارد و شخص متمدنی مهر یا اثر

انگشت اورا گواهی کند. در این باره شعبه ۸ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۳۲۷-۱۱/۲/۲۸ چنین بیان عقیده نموده است.

(چون نبودن امضاء در دادخواست مضمول هیچیک از عناوین مذکور در مواد ۵۳۱ تا ۵۳۳ قانون آئین دادرسی مدنی نیست تا دفتر دیوان کشور بتواند بر حسب ماده ۵۳۴ قانون مذکور قرار در دادخواست فرجامی را بدهد کما اینکه ماده ۷۸ قانون نامبرده که وجود امضاء یا اثر انگشت را یکی از شرایط قانونی دادخواست قرار داده - شرط مزبور از شرایط مذکوره در مورد مربوط به قرار رد و یا توقیف دادخواست بشمار نرفته بنا بر این قرار رد دادخواست فرجامی با استناد عدم رفع نقص از حیث امضای دادخواست مستند قانونی ندارد) (صفحه ۲۱۰ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی جمع آوری متین).

رأی شماره ۶۴-۲۹/۱/۲۴ شعبه ۴ دیوان عالی کشور منتشره در صفحه ۱۹۷ مجموعه فوق الذکر در این مورد بشرح آتی انشاء گردیده است:

(اگر مشخصات معترضین بر حکم غیابی پژوهشی در دادخواست اعتراض صریحاً معین باشد مضمول ماده ۴۹۵ قانون آئین دادرسی مدنی نبوده و نمیتوان با استناد اینکه در محل امضاء بیش از یک اثر انگشت نیست و معلوم نیست معترض کیست ، دادخواست را رد نمود.)

با در نظر گرفتن متون قانونی مربوطه بنظر میرسد رویه قضائی دادگاههای تالی و عالی ایران درباره دستور ماده ۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی برای منوال استقرار یافته که دستور مقرر در ماده مذکور از اصولی نبوده که دارای آن اهمیت باشد که عدم رعایت آن در حکم یا قرار دادگاه موثر واقع ، حکم یا قرار دادگاه را از اعتبار قانونی بیاندازد و حتی یک قدم بالاتر رفته و بر فرض توجه مرجع مربوطه بفقده امضاء یا اثر انگشت و مهر ذیل دادخواست موردی برای صدور قرار در دادخواست نمیبینند گویا اینکه در عمل هم روش دادگاههای تالی بهمین ترتیب بوده است .

۱۸- دستور ماده ۷۹ قانون آئین دادرسی مدنی دعاوی متعدده را که منشاء و مبنای آن مختلف است نمیتوان بموجب یک دادخواست اقامه نمود مگر آنکه ... در این باره دادگاه عالی انتظامی قضات در رأی شماره ۵۴۴ - ۱۳۰۸/۱۱/۴ چنین اظهار نظر کرده است.

(قبول چند دعوی که مبنای آنها مختلف است در یک عرض حال تخلف است) (شماره ۳۸۲ صفحه ۱۷۱ موازین قضائی فراهم آورده موسی شهیدی چاپ دوم ۱۳۳۰).

با توجه به مراتبی که گذشت و مواد قانونی مربوطه و روش قضائی چنین استنتاج میگردد

که در عرف قضائی دادگاههای ایران با استثنای دستور ماده ۷۸ مقررات مواد ۷۱ و ۷۳ و ۷۹ قانون آئین دادرسی مدنی از جمله قواعد آمره ای هستند که دارای اهمیت بوده و اهمیت اصول مقرر در مواد مزبور بدرجه ایست که عدم رعایت آنها مؤثر در حکم یا قرارداد گاه بوده و حکم یا قرارداد گاه را از اعتبار قانونی میاندازد و لذا عدم رعایت آنها موجب نقض احکام و قرار های صادره در دیوانعالی کشور بوده به علاوه در این قبیل موارد بنظر نگارنده بایستی در همان بدو امر دادخواستهاییکه مقررات مواد ۷۱ و ۷۳ و ۷۹ در آنها رعایت نشده مردود اعلام شود و اتخاذ این روش در باره ماده ۷۸ همان قانون یا تبعیت از روش قضائی معمول به نظری است.

مورد صدور قرار رد دادخواست از طرف مدیر دفتر دادگاه عمومی دادگستری مرجع رسیدگی (شکایت) پژوهشی یا جانشین او

۱۹- در صورتیکه دادخواست پژوهشی بعد از انقضای مهلت داده شده باشد (مواد ۴۸۸-۲۷۳-۲۷۷-۲۷۹-۴۹۰ قانون آئین دادرسی مدنی) رأی شماره ۱۵۸۷-۳۶/۹/۲۶ شعبه ۸ دیوانعالی کشور در این مورد چنین انشاء شده:
(موافق مستفاد از قانون آئین دادرسی مدنی تاریخ ثبت دادخواست در دفتر ابتدای دعوی محسوب است نه شهادت شهود بر تقدیم دادخواست) (صفحه ۲۰۲ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی- جمع آوری احمد متین)

مورد صدور قرار رد دادخواست از طرف مدیر دفتر دیوانعالی کشور

۲۰- در صورتیکه دادخواست فرجامی خارج از مدت قانونی بدفتر دیوانعالی کشور داده شده باشد (ماده ۳۴۷ قانون آئین دادرسی مدنی)

موارد صدور قرار رد دادخواست ابتداء از طرف دادگاه عمومی

بدوی دادگستری

۱-۲۱- پس از ابلاغ حکم غیابی صادره در مرحله بدوی بمحکوم علیه و ادعای عدم ابلاغ حکم غیابی بساو و تقدیم بموعده دادخواست اعتراض بدادگاه صادر کننده حکم غیابی و وارد تشخیص داده نشدن ادعای واخواه از طرف دادگاه (ماده ۱۷۵ ق.ا.م.د.۱۰)

۲-۲۲- در صورتیکه دادخواست اعتراض بحکم غیابی بعد از انتقضای مدت قانونی یقدم شده باشد (۱۷۹-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۷ ق.ا.م.د.۱۰)

۳-۲۳- موقع صدور قرار تأمین خسارات احتمالی از اموال خواهان تبعه خارجی (خساراتیکه از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله ممکن است خواهان تبعه دولت بیگانه بآن محکوم شود) متعاقب تقاضای خواننده و ندادن تأمین از طرف خواهان تبعه دولت بیگانه در مدت مقرر قرار دادگاه و درخواست رد دادخواست خواهان از طرف خواننده در مرحله نخستین و از طرف پژوهشخواه در مرحله پژوهشی (مواد ۲۲۱-۲۲۲-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۹-۲۸۳ ق.ا.د.م)

۴-۲۴- موقع صدور قرار تأمین خسارات احتمالی (خساراتیکه از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله ممکن است خواهان بآن محکوم شود) متعاقب تقاضای خواهان در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواستهای مربوط بامور حسبی باستثنای مواردیکه قانون امور حسبی مراجعه بدادگاه را مقرر داشته و ندادن تأمین از طرف خواهان در مدت مقرر در قرار دادگاه و درخواست رد دادخواست خواهان از طرف خواننده پس از انقضای مدت مذکور و با رعایت شرایط قانونی (مواد ۲۲۵ مکرر- ۲۷۲- ۲۸۳- ۲۷۷- ۲۷۹- ۲۸۵ ق.ا.د.م)

۵- ۲۵- خارج از موعد تقدیم شدن دادخواست ورود ثالث (مواد ۲۷۲-۲۷۶- ق.ا.د.م) (قرار رد دادخواست صادره در این مورد مستقلاً قابل پژوهش نیست)

۶- ۲۶- خارج از موعد تقدیم شدن دادخواست جلب ثالث (مواد ۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷ ق.ا.د.م) (قرار رد دادخواست صادره در این مورد مستقلاً قابل پژوهش نیست)

۷- ۲۷- خارج از موعد تقدیم شدن دادخواست متقابل (مواد ۲۷۵-۲۸۸ ق.ا.د.م) (قرار رد دادخواست صادره در این مورد مستقلاً قابل شکایت نیست)

موارد صدور قرار رد دادخواست ابتداء از طرف دادگاه

عمومی مرجع شکایت پژوهشی

۸- ۲۸ عدم رعایت قید (نام و اقامتگاه و سایر مشخصات پژوهشخواننده) در دادخواست پژوهشی با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص بپژوهشخواه و عدم رفع آن در موعد مقرر قانونی (ماده ۴۹۶ ناظر به بند ۲ ماده ۴۹۱ ق.ا.د.م)

در باره شرط (تفصیلی بودن اخطار رفع نقص) در رأی لازم الاتباع شماره ۲۲۵۵-۱۳۳۵/۱۰/۲۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که در حکم قانون است بشرح آتی انشاء شده است :

«چون در پرونده عمل دونسخه لایحه اعتراضی با داشتن تاریخ موجود از طرف دفتر در هیچیک از دو برگ قید نگردیده که بعد از مدت قانونی رسیده با اضافه طبق ماده ۴۹۶ آئین دادرسی مدنی نواقص دادخواست باید «بطور تفصیل» بدادخواست دهنده اعلام گردد و در

این مورد بفرض پیوست نبودن یکی از لوايح بدادخواست - دفتر مکلف بوده این موضوع را تذکر داده و در اخطار تصریح نماید : تسلیم يك لا یحه کافی نیست و باید نسخه دوم نیز داده شود و با اینکه در اخطار رفع نقص مراتب مزبور رعایت نگردیده و بطور اجمال یکبرگ لا یحه اعتراض خواسته شده و قید نشده مورد مطالبه نسخه دوم لا یحه اعتراض میباشد که پژوهشخواه هم ضمن رویت اشاره بتسلیم لا یحه اعتراض نموده اساساً اخطار مذکور قانونی و مؤثر برای رد دادخواست پژوهشی نبوده است» (صفحه ۱۳۹ مجموعه رویه قضائی «آراء مدنی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲ از انتشارات مؤسسه روزنامه کیهان)

درباره شرط (معد قانونی) «رأی لازم الاتباع» شماره ۴۹۷۴ - ۳۷/۷/۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که در حکم قانون است چنین مقرر داشته :

«باتوجه بماده ۴۹۶ آئین دادرسی مدنی دادخواست دهنده مکلف است که پس از رویت اخطاریه دفتر دادگاه در مدت مقرر هزینه دادرسی را بآن دفتر برساند و فرستادن وجه توسط پستخانه برای ساکنین شهرستانها وسیله مطمئن محسوب میشود در چنین صورتی چنانچه اعلامیه پستخانه قبل از انقضاء موعد قانونی بدفتر دادگاه رسیده باشد با دریافت پاکت بیمه از پستخانه دفتر میتواند از حیث هزینه دادرسی از دادخواست رفع نقص کند بنا بر این هیئت عمومی دیوان عالی کشور با کثرت آراء بادر نظر گرفتن دستور ماده واحده مربوط بوحدت رویه قضائی اظهار نظر مینماید باینکه رأی شعبه اول دیوان عالی کشور بی اشکال است صحیح میباشد» (صفحه ۳۱۴ مجموعه رویه قضائی «آراء مدنی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲» از انتشارات مؤسسه روزنامه کیهان)

رأی اصراری شماره ۲۱۲۹ - ۳۵/۱۰/۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (صفحات ۱۵۹ و ۳۱۲ مجموعه فوق الذکر)

(عدم رعایت جهاتیکه در قانونی بودن حکم مؤثر است و در مرحله بدوی رعایت نشده بمعهده دادگاه استان واگذار گردیده که از آن جمله دستور امری مقرر در ماده ۸۵ قانون آئین دادرسی مدنی است یعنی : اگر دادخواست ناقص بدون اخطار رفع نقص جریان یافته و بارفع نقیصه مورد اخطار در خارج از مدت قانونی بعمل آمده باشد حکمی که در نتیجه چنین دادخواستی صادر شود قانونی محسوب نمیگردد و در رسیدگی پژوهشی رعایت ماده ۸۵ آئین دادرسی مدنی چون مؤثر در قانونی بودن حکم میباشد لازم است . حکم قانونی چنین دادخواستی رد است)

بموجب آراء صادر از شعب مختلف دیوان عالی کشور : (مدیر دفتر صادرکننده اخطار رفع نقص دادخواست پژوهشی - مدیر دفتر دادگاههای مشروحه در ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی است و اخطار رفع نقص باید از طرف آنها صادر شود.) (آراء شماره ۲۸۵۲ - ۲۱/۹/۵)

۴ - ۲۶ / ۱ / ۲۹ شعبه ۶ ورأی شماره ۲۰۶ - ۲۳ / ۸ / ۲۲ شعبه اول دیوان عالی کشور
صفحات شماره ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۱۰۶ مجموعه متین) .

شعبه ۸ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۲۱۷ - ۱۰ / ۸ / ۲۷ چنین اظهار نظر کرده است .

(ضمیمه نبودن پوشه بدادخواست از جمله نواقصی نیست تامحتاج باخطار رفع نقص بوده و باعدم رفع نقص رددادخواست صادرشود. ماده ۱ آئین نامه وکالت مورخ ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۲۰ نیز دلالت ندارد که پوشه نداشتن دادخواست مستلزم رددادخواست باشد. (صفحه ۲۰۶ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی جمع آوری متین) .

شعبه ۴ دیوان عالی کشور در آراء شماره ۳۰۷۶ - ۳۰ / ۱۰ / ۱۹ و ۱۳۶۰ - ۵ / ۸ / ۲۶ نظر داده که :

(قید اشتباهی دادخواست فرجامی بجای دادخواست پژوهشی در اخطار رفع نقص - یاعدم قیدمدت لازم برای رفع نقص در اثر اشتباه - مانع از صدور قرار ردخواست است . (صفحه ۲۰۷ مجموعه فوق الذکر متین) .

۹ - ۲۹ - عدم رعایت قید (حکم یاقراریکه از آن پژوهش داده شده) در دادخواست پژوهشی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بپژوهشخواه وعدم رفع آن درمؤعد مقرر قانونی (ماده ۴۹۶ ناظر به بند ۲ ماده ۴۹۱ ق ادم)

شعبات ۳۰۶ دیوان عالی کشور در آراء شماره ۳۰۸ - ۸ / ۲ / ۲۹ و ۷۸۰ - ۹ / ۴ / ۲۳ چنین بیان عقیده نموده اند :

(پیوست کردن رونوشت حکم پژوهشخواسته بدادخواست پژوهشی الزام قانونی ندارد بلکه فقط باید مشخصات حکم طبق ماده ۴۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی در دادخواست قیدشود.)
صفحات ۱۰۷ و ۲۰۴ مجموعه متین «برای لازم الاتباع هیئت عمومی دیوان عالی کشور زیلا در شماره ۲۱ - ۴۱ رجوع شود»

۱۰ - ۳۰ - عدم رعایت قید (دادگاه صادرکننده حکم یاقرار) در دادخواست پژوهشی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بپژوهشخواه وعدم رفع آن درمؤعد قانونی (ماده ۴۹۶ ناظر به بند ۴ ماده ۴۹۱ ق ا. د م)

۱۱ - ۳۱ - عدم رعایت قید (اعتراضات پژوهشی) در دادخواست پژوهشی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بپژوهشخواه وعدم رفع آن درمؤعد مقرر قانونی (ماده ۴۹۶ ناظر به بند ۶ ماده ۴۹۱ ق ا. د م)

۱۲ - ۳۲ - پیوست نبودن وکالتنامه وکیل بدادخواست پژوهشی اگر دادخواست را وکیل داده باشد باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص بدادخواست دهنده وعدم رفع آن درمؤعد

قانونی (ماده ۴۹۶ ناظر بماده ۴۹۲ ق.ا.د.م)

۱۳ - ۳۳ - دونسخه نبودن دادخواست پژوهشی و پیوستهای آن - و در صورت تعدد پژوهشخواه بعد از آنها بعلاوه يك نسخه نبودن دادخواست و پیوستهای آن با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص و عدم آن در موعد قانونی (ماده ۴۹۶ ماده ۴۹۴ ق.ا.د.م)

۱۴ - ۳۴ - تأدیه نشدن تمام هزینه دادرسی پژوهشی مربوط به دادخواست پژوهشی با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص و عدم رفع آن در موعد قانونی (ماده ۴۹۶ ق.ا.د.م)

شعبه ۵ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۳۳۰ - ۳۲/۸/۵ چنین نظر داده :
(اخطار رفع نقص باید بشخص خواهان یا وکیلش که ملزم بودن او به پرداخت هزینه دادرسی محرز باشد ابلاغ گردد .) (صفحه ۲۰۶ مجموعه رویه قضائی - قسمت حقوقی جمع آوری احمد متین)

شعبه اول دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۱۶۶ - ۲۰/۱۰/۲۱ چنین اظهار نظر کرده است .

(وجه جزئی مانند يك ریال و ده دینار با پرداخت نمودن قسمت عمده هزینه دادرسی (هفتاد ریال) مستلزم صدور اخطار رفع نقصیه نیست) (صفحه ۲۱۰ مجموعه فوق الذکر متین)
بالاخره رأی شماره ۴۲ - ۳۲/۸/۱ - شعبه ۶ دیوان عالی کشور چنین انشاء شده است :
(تقاضای تصدیق برای گرفتن موارد استفاده از پرونده مثبتی و تخلف از تقدیم آن در موقع ضرب الاجل مجوز رد دادخواست نخواهد بود .)

۱۵ - ۳۵ - خارج از موعد تقدیم شدن دادخواست ورود ثالث در مرحله پژوهشی (مواد ۲۷۰ - ۲۷۲ - ۲۷۳ ق.ا.د.م) .

(قرار رد دادخواست صادره در این مورد مستقلاً قابل فرجام نیست) .

۱۶ - ۳۶ - توأم تقدیم نشدن دادخواست جلب ثالث با دادخواست پژوهشی از طرف پژوهشخواه و از طرف پژوهشخوانده ظرف مدتیکه بموجب قانون میتواند جواب بدهد ، و موعد آخرین لایحه (مواد ۲۷۵ - ۲۷۷ - ۴۸۹ ق.ا.د.م) (قرار رد دادخواست صادره در این مورد مستقلاً قابل فرجام نیست) .

موارد صدور قرار رد دادخواست های اعسار از هزینه دادرسی از طرف

دادگاه بدوی عمومی

۱۷-۳۷- هرگاه مدعی اعسار دعوی خود را تا یکماه تعقیب نکند بدرخواست طرف دعوی اصلی- دادخواست اعسار آورد میشود (مواد ۴۱۰-۷۰۰-۷۰۲ ق.ا.د.م)

۱۸-۳۸. موقعیکه خواهان تقدیم کننده دادخواست اعسار از هزینه دادرسی هم داده و دادگاه بدوی حکم برد اعسار صادر کرده و نامبرده تا ده روز پس از انقضاء مدت پژوهشی یا تازه روز از ابلاغ حکم صادره از مرحله پژوهشی هزینه دادخواست دعوی اصلی را تأدیه ننماید (مواد ۴-۲۰۲-۶۹۸-ق. ۱۰. د. م.)

موارد مشترک صدور قرار رد دادخواست ابتداء از طرف دادگاههای عمومی بدوی یا پژوهشی یا دفتر دیوانعالی کشور که در هر حال قابل شکایت فرجامی در دیوانعالی کشور است.

۱۹-۳۹. پیوست نبودن اعتراضات فرجامی بدادخواست فرجامی با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص و عدم رفع آن از طرف فرجامخواه در موعده قانونی (ماده ۵۴۴ ناظر به بند ۲ ماده ۵۳۲ و ماده ۵۳۸ ق. ۱۰. د. م.)

۲۰-۴۰. پیوست نبودن و کالتنامه و کیل اگر دادخواست فرجامی را وکیل داده باشد با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص و عدم رفع آن از طرف دادخواست دهنده در موعده قانونی (ماده ۵۳۴ ناظر به بند ۳ ماده ۵۳۲-۵۳۸ ق. ۱۰. د. م.)

۲۱-۴۱. پیوست نبودن رونوشت مصدق حکم یاقراری که از آن فرجام خواسته میشود بدادخواست فرجامی در صورت تقدیم دادخواست فرجامی بد دفتر دادگاههای مذکور یا دفتر دیوانعالی کشور و با وجود اخطار تفصیلی رفع نقص و عدم رفع آن از طرف فرجامی در موعده مقرر قانونی (ماده ۴۳۴ ناظر به بند ۱ ماده ۵۳۲ و ماده ۵۳۸ ق. ۱۰. د. م.)

رای لازم الاتباع شماره ۱۵۴۲-۱۸/۸/۳۶ هیئت عمومی دیوانعالی کشور که در حکم قانون است چنین مقرر داشته: (طبق ماده ۵۳۴ قانون آئین دادرسی مدنی تهیه کسری نسخ دادخواست فرجامی و پیوستهای آن (لایحه اعتراضی- رونوشت حکم یا قرار مورد شکایت) بمعهد دادخواست دهنده است و خودداری از تسلیم برگهای مزبور در مدت مقرر به رای رفع نقص موجب رد دادخواست خواهد بود. باتصریح مذکور- دستور مشروح در قسمت اخیر ماده ۱۱۱ و همچنین دستور مرقوم در ماده ۱۸۳ آن قانون که بدون صدور اخطار رفع نقص تهیه کسری پیوستهای لایحه خواننده از دعوی و نیز کسری نسخ دادخواست اعتراض بسر حکم غیابی و پیوستهای دادخواست مذکور را وظیفه مدیر دفتر قراردادده مخصوص موارد مزبور است و در مورد دادخواست فرجامی و پیوستهای آن قابل استناد نیست و تسلیم نکردن برگهای مزبور در مدت مقرر موجب رد دادخواست خواهد بود. و دفتر تکلیفی در تهیه کسری اوراق دادخواست فرجامی و پیوستهای قانونی آن ندارد.) (صفحات ۳۱۲ و ۳۰۹ و یه قضائی آراء مدنی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲ از انتشارات مؤسسه روزنامه کیهان)

۲۲-۴۲ - دو نسخه نبودن دادخواست فرجامی و پیوستهان آن - و در صورت متعدد بودن فرجامخوانندگان بعهده آنها بعلاوه يك نسخه باوجود اخطار رفع نقص در موعده مقرر قانونی (ماده ۵۳۴ ناظر بماده ۵۳۳ و ماده ۵۳۸ ق. ا. د. م.)

۲۳-۴۳ - تأدیه نشدن هزینه دادخواست فرجامی باوجود اخطار تفصیلی رفع نقص وعدم تأدیه آن در موعده مقرر قانونی (مادتین ۵۳۴ و ۵۳۷ ق. ا. د. م.) (برای لازم الاتباع شماره ۲۲۵۵-۲۵/۱۰/۱۳۳۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مندرجه در ردیف شماره ۸-۲۸) در فوق رجوع شود .

۲۴-۴۴ - اگر مشخصات فرجامخواه در دادخواست فرجامی تعیین نشده و معلوم نباشد دادخواست دهنده کیست . (مادتین ۵۳۶ و ۵۳۸ ق. ا. د. م.)

۲۵-۴۵ - اگر محل اقامت فرجامخواه در دادخواست فرجامی معلوم نباشد . (مادتین ۵۳۶ و ۵۳۸ ق. ا. د. م.)

۲۶-۴۶ - در صورتیکه دادخواست فرجامی خارج از مدت داده شده باشد . (مادتین ۵۳۷ و ق. ا. د. م.)

۲۷-۴۷ - از مواردیکه دادخواست خواهان مردود تلقی میشود موقعی است که دادگاهی که دادخواست بدفتر آن داده شده صلاحیت رسیدگی بدعوی مطروحه در دادخواست را نداشته باشد و طرفین هم در مورد صلاحیت نسبی برسیدگی چنین دادگاهی تراضی ننموده باشند چه بصراحت ماده ۷۰ قانون آئین دادرسی مدنی : (شروع برسیدگی در دادگاههای دادگستری بتقدیم دادخواست است) و این دادخواست بایستی بدستور ماده ۸۰ همان قانون بدفتر دادگاه صلاحیتدار داده شود والا اگر در مورد صلاحیت نسبی هم خواننده ایراد عدم صلاحیت نماید (برسیدگی دادگاهی که صلاحیت نسبی ندارد- مواد ۲۱ تا ۴۴ و ماده ۵۶۱ ق. ا. د. م. - تراضی ننمایند) و دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر کند خواهان باید در صورت تعقیب از دعوی خود پس از صدور قرار عدم صلاحیت یا پس از قطعیت آن دادخواست رسمی بمرجع صالحه تقدیم نماید. و دادخواست تقدیمی او بدادگاه غیر صالح قابل احاله بدادگاه صالح مربوطه نیست جز در موردیکه قانون صریحاً بارسال پرونده در صورت قرار عدم صلاحیت بدادگاه صالح دستور داده است مانند مورد پیش بینی شده در ماده ۱۸ قانون ثبت اسناد و املاک یا موارد پیش بینی شده در مواد ۳۰ و ۳۹ ناظر بقسمت اخیر ماده ۲۰۳ و ۲۸ ناظر بند ۳ ماده ۱۹۷ و ۲۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی .

بنابراین اگر نسبت بدعوی خواهان در دادگاهی قرار عدم صلاحیت صادر گردید و پرونده امر بدون توجه بمبانی قانونی دادخواست مربوطه بدادگاه صالح ذیربط ارسال شد -

دادگاه اخیرالذکر بنظر نگارنده تکلیفی جز صدور قرار ردخواست مذکور ندارد و اگر خواهان میخواهد دعوی خود را در این دادگاه صالح تمقیب کند باید وفق مادتین ۷۰ و ۸۰ قانون آئین دادرسی مدنی مجدداً دادخواست رسمی بهمین مرجع صلاحیتدار تقدیم نماید .

حق و ناحق

در مقدمه فن سخنوری - گرگیاس - تألیف افلاطون فیلسوف مشهور یونانی که با نهایت دقت وسلاست بوسیله دکتر کاویانی و دکتر لطفی ترجمه شده مطلب زیر را میخوانیم .

حق و ناحق : این دو کلمه ایست که فلسفه یونان مدام و پیوسته بدوران چرخ میزند، از هومر و هزیود و سولون گرفته تا افلاطون همه جا در ادبیات و آثار علمی یونان نقطه مرکزی حق است . و حق است که وقتی رعایت شدن نظم هم بدنبال آن پیدا میشود و هماهنگی و تناسب و زیبایی حقیقت مییابد و بهترین زندگی نصیب بشر میگردد . همانطور که چیزی این عالم را بهم نگاه داشته و نمیگذارد که از هم بپاشد و همانطور که در منظومه شمس خورشید نقطه مرکزی را تشکیل میدهد و ستارگان را در جاده معینی میانندازد و نگاه میدارد همانطور هم در زندگی بشر بمقیده یونانیها حق است که جلوگیری مینماید از اینکه همه چیز درهم و برهم و افسار گسیخته گردد .